

• می توان دموکراسی را نجات داد؟ •

مشارکت، شورا و جنبش های اجتماعی

دوناتلا دلاپرتا

ترجمه سعید کشاورزی • علی روحانی



فهرست

۹	پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی
۱۵	۱. مدل‌های دموکراسی: مقدمه
۳۳	۲. دموکراسی لیبرال: تکامل و چالش‌ها
۷۱	۳. دموکراسی مشارکتی
۱۰۹	۴. دموکراسی شورایی: بین نمایندگی و مشارکت
۱۴۹	۵. دموکراسی الکترونیک؟ فن‌آوری‌های نوین و تعمیق دموکراتیک
۱۸۳	۶. چالش حکمرانی جهانی
۲۱۳	۷. دموکراتیک‌سازی و جنبش‌های اجتماعی
۲۵۷	۸. محدودسازی مشارکت شهروندان: پلیسی کردن اعتراض
۲۸۷	۹. تجارب شورایی درون نهادها
۳۱۵	۱۰. می‌توان دموکراسی را نجات داد؟ نتیجه‌گیری
۳۲۵	یادداشت‌ها
۳۳۱	کتابنامه
۳۵۵	نمایه

پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی

دوناتلا دلاپرتا

جنبش‌های اجتماعی و دیگر کنشگران جامعه مدنی به شکل فزاینده‌ای به عنوان کنشگران مهم حوزه نظریه‌پردازی در زمینه دموکراسی شناخته شده‌اند. به ویژه، این کنشگران از جایگاهی مرکزی در (زمینه) مفاهیم مشارکتی و شورایی دموکراسی برخوردارند: آن‌ها همزمان با افزایش رشد مشارکت، فضاهای آزادی را نیز برمی‌سازند؛ فضاهایی که در آن، در باره موضوع خیر عمومی بر پایه دلیل و برهان، بحث می‌شود. پیوندی تجربی نیز میان جنبش‌های اجتماعی و فرایندهای دموکراتیزاسیون برقرار بوده است. چیزی که به عنوان امری مهم در پیاده‌سازی موفق فرآیند دموکراتیک مورد توجه قرار گرفته است، میزان فراهم آوردن منابع مهم دانش و تعهد است؛ (که در این راستا) سازمان‌های جامعه مدنی اغلب مشارکت‌کنندگانی انتقادی یا پیشگرا سیاست‌های نهادی تلقی می‌شوند؛ سیاست‌هایی که در راستای پیاده‌سازی این اهداف اتخاذ شده‌اند. در حالی که به لطف بسیج جامعه مدنی، حقوق شهروندی — شامل حقوق سیاسی — به لحاظ تاریخی به امری غالب (و مسلم) مبدل شده، با این حال، مطالعات جنبش‌های اجتماعی به صورتی خاص (تنها) بر دموکراسی‌های مستقر، متمرکز بوده‌اند. فقط همین اواخر بود که مطالعات منطقه‌ای به منظور

● جنبش‌ها به مثابه فرآیند، به عنوان مثال یعنی تولیدکنندگان منابع خودشان یا منبعی برای توانمندسازی خود.

تحقیقات در اقتصاد سیاسی به بعضی از مشخصات جهانی نئولیبرالیسم اشاره کرده است: بازار آزادی که به عنوان یک ایدئولوژی، سیاست‌ها را به پیش می‌راند. سیاست‌هایی که چندان در جهت عقب‌نشینی دولت از بازار نیستند، بلکه به جای آن به سوی کاهش سرمایه‌گذاری در خدمات اجتماعی در لوای (ادعای) کاهش نابرابری گرایش دارند. همچنین سیاست‌هایی در جهت محافظت به جای سرمایه‌داری مالی، خصوصی‌سازی کالاهای عمومی و واگذاری بانک‌ها، منعطف شدن بازار کار همراه با فعالیت‌های تنظیمی جاه‌طلبانه در جهت و به امید افزایش فرصت مزایای احتکارآمیز.

این پیشرفت‌ها پیامدهای روشنی برای بنیان‌های اجتماعی سیاست‌های ستیزه معاصر به همراه داشته است. هر دو موج اعتراض‌های سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ به نگرانی جدیدی در خصوص بنیان‌های اجتماعی سیاست‌های ستیزه منجر شده است. در سال ۲۰۱۱، معترضان به صورت معمول و عمدتاً به عنوان اعضای طبقه جدید پرمخاطره نگریسته شدند که عمیقاً از سیاست‌های ریاضت‌طلبانه ضربه خورده بودند. متفاوت از آنچه در سال ۲۰۱۱ رخ داد، معترضان در سال ۲۰۱۳ به عنوان پدیده «طبقه متوسط» تفسیر شدند. داده‌های جمع‌آوری شده در باره پیش‌زمینه اجتماعی افرادی که در آن زمان اعتراض کرده بودند، ادعای بسیج طبقه پرمخاطره با جنبش طبقه جدید را تأیید نمی‌کند. در تمامی این اعتراض‌ها، طیف وسیعی از پیش‌زمینه‌های اجتماعی خودشان را نمایان کردند: از دانشجویان گرفته تا کارگران پرمخاطره، کارگران وابسته به کار دستی و غیر دستی، خرده‌بورژواها و حرفه‌ای‌ها. اعتراضات همراه با نسبت بالایی از جوانان و افراد تحصیل کرده، شامد طرفداری گروه‌های سنی دیگری نیز بود. پویای اعتراضی ضمن چندطبقه‌ای بودن، درون

بررسی ظهور و همچنین کارکرد جنبش‌های اجتماعی در مناطق مختلف جغرافیایی شامل آمریکای لاتین، جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه آغاز شدند. تعمیم توجه به اشکال ستیزه سیاسی در جنوب جهان^۱ بسیار مهم است، این امر گذشته از آن که در راستای سنجش امکان عمومی‌سازی^۲ مجموعه‌ای از مفاهیم و نظریه‌هایی که در اروپا و شمال آمریکا توسعه پیدا کرده‌اند، به جهت غنی‌سازی مطالعات جنبش‌های اجتماعی و انعکاس (خصوصیات) رژیم‌ها، فرهنگ‌ها و شرایط تاریخی متفاوت نیز اهمیت دارد.

(علاوه بر این)، این امر از این منظر نیز بسیار مهم‌تر خواهد بود که در غرب و شمال جهان، یعنی آن‌جا که جنبش‌های اجتماعی بیشتر توسعه یافته‌اند، شرایط در پی گسترش فرآیندهای جهانی‌شدن و تناقضات (نهفته در) آن به سرعت در حال تغییر است. در واقع، (امروزه)، مطالعات جنبش‌های اجتماعی جمعی ابزار مفیدی از مفاهیم را جهت مواجهه با کنش‌های جمعی در زمان‌های طبیعی، به معنای زمان‌های ساختاریافته، فراهم می‌آوردند. این مطالعات عمدتاً به نظام‌هایی با دموکراسی پیشرفته و رفاه دولتی پرداخته‌اند. نظریه‌پردازی‌ها در این زمینه به سمت وسوی تبیین اثرات ساختارها بر کنش جمعی سوق یافته است. در این حوزه، تصور اصلی این است که اعتراضات نیازمند فرصت‌ها و منابع است.

دانش ما در باره موضوعات مهم و بنیادینی که در توسعه جنبش‌های اجتماعی در زمان (برهه)‌های استثنایی^۳ نقش دارند، بسیار اندک است. به ویژه:

- جنبش‌ها در زمان بحران، یعنی زمانی که اعتراضات بیشتر مورد هدف (حملات) قرار گرفته باشند؛ نه این که با فرصتی مواجه باشند.
- جنبش‌ها در زمان‌های استثنایی، یعنی زمان‌های پرحادثه که انجام کنش به صورت بنیادینی روابط را متحول می‌کند.

1. global South
2. generalizability
3. exceptional